

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/06/02

موضوع: پاداش عزاداری برای اهل بیت، مجوز ترک واجبات و انجام محرمات!؟

ویژه برنامه قتیل العبرات

فهرست مطالب این سخنرانی:

مروری بر مطالب جلسات گذشته در پاداش عزاداری امام حسین (سلام الله علیه)

آیا پاداش عزاداری برای اهل بیت، مجوز ترک واجبات و انجام محرمات می شود!؟

روایتی دردناک و بسیار خیره کننده!

وقتی گناهانمان از حد گذشت، چه کنیم!؟

داستان پیوستن «حر بن یزید ریاحی» به سپاه امام حسین (سلام الله علیه)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة

على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء

الله الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوئیم و خدا را شکر می‌کنیم که توفیقمان داد در

این ایام محرم، اسمان و نامان در لیست اقامه کنندگان عزا برای حسین ثبت شود.

باشد که این لحظات ما و این کارهای ما، مرضی خداوند تبارک و تعالی و حضرت ولیعصر(ارواحنا فداه) باشد و

ذخیره‌ای باشد برای شب اول قبرمان و عالم برزخمان و قیامتیمان.

مروری بر مطالب جلسات گذشته در پاداش عزاداری امام حسین (سلام الله علیه)

ما در جلسات گذشته در رابطه با پاداش عزاداری برای امام حسین (سلام الله علیه) مفصل صحبت کردیم و عرض کردیم روایات متعدد هست دال بر اینکه اگر کسی بر امام حسین گریه بکند، پاداشی جز بهشت ندارد.

یا اگر کسی را بگریاند ولو یک نفر را، یا خودش گریه کند یا حالت گریه به خود بگیرد، خدای عالم تمام گناههای او را خواهد بخشید؛ چه گناه صغیره باشد و چه گناه کبیره، چه کوچک باشد و چه بزرگ باشد.

عرض کردیم که آقا امام رضا (سلام الله علیه) فرمود:

«يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ بَكَيتَ عَلَى الْحُسَيْنِ حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعَكَ عَلَى حَدِّكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَدْنَبْتَهُ صَغِيرًا
كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا»

همین که اشک چشمانت از گونه‌هایت جاری می‌شود خدا تمام گناهانت را می‌بخشد صغیره باشد، کبیره باشد، کوچک باشد، بزرگ باشد.

إقبال الأعمال (ط- القديمة)، ابن طاووس، علی بن موسی، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، تهران - 1409ق؛

ج2، فصل فیما نذکره من عمل أول لیلۃ المحرم، ص 545

اینها روایاتی بود که ما در برنامه های گذشته، مفصل برای بینندگان عزیزمان عرض کردیم و شب گذشته هم گفتیم که گریه برای امام حسین؛

«يَخُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ»

گناهان بزرگ را می‌ریزد و از بین می‌برد.

الأمالي (للصدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی، تهران - 1376ش؛ ص 128، ح 2

و نیز بیان کردیم که طبق روایات، اگر یک قطره از اشک چشم عزادار حسین در جهنم بیافتد، آتش جهنم خاموش می‌شود و عرض کردیم اینها چیزی نیست که فقط در منابع شیعه باشد؛ بلکه در «صحیح بخاری»، «صحیح مسلم»، «سنن ابن ماجه»، «سنن ترمذی»، و نیز «مستدرک الصحیحین» وارد شده است.

در منابع معتبر اهل سنت نقل شده است که اگر کسی فلان ذکر را بگوید خدای عالم تمام گناهانش را ولو به اندازه کف دریاها باشد، به اندازه برگ درختان باشد، به اندازه ریگ بیابان‌ها باشد، به اندازه عدد ایام دنیا باشد، خدای عالم او را خواهد بخشید.

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ»

اگر کسی در یک روز صد مرتبه «سبحان الله و بحمده» بگوید خدا تمام گناهان او را می‌بخشد ولو به اندازه کف دریاها باشد.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا؛ ج 5، ص 2352، بَاب فَضْلِ التَّسْبِيحِ، ح 6042

یعنی اگر کسی بخواهد در این طور قضایا تشکیک بکند، نشان می‌دهد که خدا را نشناخته و از رحمت خدای عالم بی‌خبر است.

همان تعبیر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در وصف خدای عالم که می‌فرماید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مَدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يُخْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ وَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ»

تا آنجایی که می‌گوید:

« الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ بُعْدُ الْهَمِّمْ وَ لَا يَتَّالُهُ غَوْضُ الْفِطَنِ الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ وَ لَا نَعْتٌ مَوْجُودٌ وَ لَا وَفْتُ مَعْدُودٌ وَ لَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ »

نهج البلاغة (للسبكي صالح)، شريف الرضى، محمد بن حسين، محقق / مصحح: فيض الإسلام، ناشر:

هجرت - قم، 1414ق؛ ص: 39، خطبه 1 و من خطبة له ع يذكر فيها ابتداء خلق السماء و الأرض

فرمود: صفت تو فراتر از عقل های ما است و صفات تو نه قابل سنجش است، نه مدتی دارد، نه عددی دارد. خدای عالم این است.

یکی از بهترین راههای شناخت خدا این است که ما به این مرحله برسیم که بدانیم به ذات حق، احدی دسترسی ندارد؛

(هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ)

او خدایی است که معبودی جز او نیست.

سوره حشر (59): آیه 22

«يَا مَنْ يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ»

إقبال الأعمال (ط- القديمة)، ابن طاووس، علی بن موسی، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، تهران - 1409ق؛

ج1، ص 343

شناخت ما از خداوند، با صفت او هست و صفات او هم طوری است که هیچ حدی، حدودی، وقتی، عددی ندارد؛ رحمت حق عددی ندارد، رحمت حق محدودیتی ندارد، کرم خدای عالم حد و حدودی ندارد.

گناهانمان هر چه بیشتر باشد در برابر عفو و کرم الهی اصلاً قابل مقایسه نیست. مثل اینکه ما بخواهیم یک قطره را در برابر اقیانوسها مقایسه کنیم؛ این قابل قیاس نیست.

آیا پاداش عزاداری برای اهل بیت (علیهم السلام) مجوز ترک واجبات و انجام محرمات می شود؟!

ما مفصل در این زمینه صحبت کردیم و قول دادیم که امشب در رابطه با این صحبت کنیم که آیا با گریه بر امام حسین (سلام الله علیه) و با عزاداری برای اهل بیت، انسان می تواند واجبات الهی را ترک یا خدای نکرده محرمات الهی را انجام بدهد؟!

یعنی می توانیم بگوئیم که ماه محرمی می آید، انسان یک اشکی بریزد و دیگر مهم نباشد که هر کاری بخواهد انجام بدهد؟!

در اینجا من می خواهم از عزیزان تقاضا کنم به روایاتی که امشب خدمتتان قرائت می کنم خوب دقت کنید. اگر دوستان اتاق فرمان، مانیتور من را به آنتن بدهند ممنون می شوم.

امام باقر (سلام الله علیه) به «جابر بن یزید جوفی» می فرماید:

«يَا جَابِرُ أَيْكْتَفِي مَنِ انْتَحَلَ التَّشْيِعَ أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»

آیا فقط شیعه بودن همین است که محبت ما اهل بیت را داشته باشد؟

«فَوَ اللَّهُ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنِ اتَّقَى اللَّهَ وَ أَطَاعَهُ»

به خدا سوگند شیعیان ما نیستند مگر آنهایی که تقوا داشته باشند و خدا را اطاعت کنند.

تا آنجایی که حضرت فرمود:

«مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعاً فَهُوَ لَنَا وَلِيٌّ»

هر کس مطیع اوامر الهی باشد، آن دوست ماست

«وَ مَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِياً فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ»

آن کسانی که شبانه روز کارشان گناه معصیت است آنها دشمن ما هستند.

«وَمَا تَأْتِيكُمُ اللَّيْلُ إِلَّا بِأَعْمَالٍ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ»

اصلاً به ولایت ما، جز با عمل و ورع نمی‌شود رسید.

الكافی (ط- الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی،

محمد، ناشر: دارالکتب الإسلامية، تهران - 1407ق؛ ج 2، ص 74، ح 3

ببینید اینطوری نیست که من نه نماز بخوانم، نه روزه بگیرم، نه زکات بدهم، نه وجوهات شرعی را پرداخت کنم؛ و از طرفی غیبت کنم، دروغ بگویم، خدای نکرده شراب بخورم، و بعد بگویم بله حالا محرم است من گریه‌ای برای امام حسین می‌کنم، دیگر تمام می‌شود می‌رود! نه، اینطوری‌ها نیست!

یعنی اگر کسی نسبت به واجبات الهی و محرمات الهی، واقعاً اینطور جری باشد و در طول سال دو رکعت نماز هم نخواند و روزه هم نگیرد، با این که می‌داند نماز واجب است، روزه هم واجب است و از او امر الهی است، ولی خاطر جمع باشد که بله ماه محرم آمد ما می‌آییم یک گریه‌ای می‌کنیم و تمام می‌شود می‌رود، این صد در صد خلاف مشی و دستور ائمه اهل بیت (علیهم السلام) است.

روایتی دردناک و بسیار خیره کننده!

در کافی شریف هست که امام صادق (سلام الله علیه) به «مسمع بن عبدالملک» می‌گوید که پیغمبر فرمود:

«إِنَّ الْعَبْدَ لَيُخْبَسُ عَلَى ذَنْبٍ مِنْ ذُنُوبِهِ مِائَةَ عَامٍ»

چه بسا یک انسان بخاطر یک گناهش صد سال در جهنم زندانی شود.

«وَأِنَّهُ لَيَنْظَرُ إِلَى أَزْوَاجِهِ فِي الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمْنَ»

این بدبخت بیچاره در جهنم در دل آتش می‌سوزد و نگاه می‌کند زن و بچهایش در بهشت در میان نعمت‌های الهی از نعمت‌ها برخوردارند.

الكافی (ط- الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دارالکتب الإسلامية، تهران - 1407ق؛ ج 2، ص 272، ح 19

این خیلی درد است. این روایت را وقتی من می‌خوانم، واقعاً بدنم می‌لرزد و موهای بدنم سیخ می‌شود که خدای نکرده یک انسان به خاطر یک گناه، صد سال در آتش جهنم بسوزد و بعد ببیند برادرش، خواهرش، همسر و بچه‌هایش در بهشت از نعمت‌های الهی برخوردار هستند.

سوختن آتش یک طرف، و اینکه انسان می‌بیند زن و بچهایش یا بستگانش در بهشت، در نعمت هستند، این دردش شاید از سوختن در آتش جهنم هم دردناک‌تر باشد.

در روایت دیگر از «سعید بن جبیر» از نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) هست که فرمود: فردای قیامت، افرادی را می‌آورند و پرونده‌اش را به دستش می‌دهند، او می‌بیند از حسناتش خبری نیست! می‌گوید: خدایا اینهمه نماز خواندم، اینهمه روزه گرفتم، اینهمه عزاداری کردم، ظاهراً ملائکه اشتباه کرده‌اند!!

«إلهي ليس هذا كتابي فأني لا أرى فيها طاعتي»

پروردگارا! این پرونده من نیست. من در این نامه، عبادات خود را نمی‌بینم.

بحار الأنوار (ط- بيروت)، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ ناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت -

1403؛ ج 72، ص 259، ذیل حدیث 53

خطاب می‌آید نه، این پرونده تو است. ولی چون تو در کنار اینکه نماز می‌خواندی، عبادت می‌کردی، عزاداری می‌کردی، غیبت هم می‌کردی؛ بخاطر اینکه غیبت دیگران را کردی، بخاطر این غیبت، اعمال خوب تو را برداشتیم و در پرونده آن صاحب غیبت گذاشتیم!!

دوستان امام حسین! چقدر درد آور است که انسان بیاید با این زحمت نماز بخواند و روزه بگیرد، عزاداری کند، عبادت کند؛ در کنارش هم یک غیبتی بکند و بخاطر این غیبت، به خاطر خوردن مال حرام، استفاده از رانتهایی که حق میلیون‌ها انسان در او هست، اعمال خوب او را بردارند و در پرونده دیگران قرار بدهند.

دوستان! خدا می‌داند خیلی درد است. حالا شاید شنیدن و خواندن این روایت، برای ما ساده باشد ولی تصورش خیلی سخت است که احساس کنیم الان پرونده ما را داده‌اند دست ما، شصت سال، هفتاد سال نماز خواندیم و روزه گرفتیم، همه این عبادات، با چند تا غیبت کردن از دست ما رفته باشد!!

ما در این زمینه روایات زیادی داریم. من نمی‌خواهم خیلی زیاد در این زمینه عزیزان را معطل کنم. فقط جمله ای از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) عرض کنم که خطاب به شیعه فرمود:

« يَا مَعْشَرَ شِيعَتِنَا اتَّقُوا اللَّهَ وَ اخْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا لِتِلْكَ النَّارِ حَطَبًا »

تقوا پیشه کنید و بترسید از اینکه شما هیضم آتش جهنم باشید. هم خودتان بسوزید و هم دیگران به آتش شما بسوزند.

بحار الأنوار (ط - بیروت)، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ ناشر: دار إحياء التراث العربي، بیروت -

1403؛ ج 72، ص 316، ح 39

روایت دیگر در این زمینه، خیلی روایت زیبایی است. یک مردی به همسرش گفت برو خدمت حضرت زهرا از او سؤال کن آیا من از شیعیان شما هستم یا نه؟ این زن آمد خدمت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حضرت فرمود:

«إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمْرَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَ إِلَّا فَلَا»

اگر به دستورات ما عمل کرده باشید شما از شیعیان ما هستید و اگر عمل نکرده باشید نه.

زن برگشت و جواب حضرت را به همسرش گفت. او خیلی ناراحت شد گفت: برو بگو زهرا جان:

«وَمَنْ يَنْفِكُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا»

چه کسی است که از گناه و خطایا دور باشد؟

پس ما در آتش جهنم برای همیشه هستیم و هیچ کدام از شیعیان شما روی بهشت را نمی بیند و همه می روند جهنم. چون هیچ شیعه ای نیست که گناه نکرده باشد و معصیت نکرده باشد.

این زن برگشت خدمت حضرت زهرا و پیام همسرش را به حضرت زهرا رساند. بعد حضرت فرمود که:

«قُولِي لَهُ: لَيْسَ هَكَذَا شِيعَتَنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ كُلُّ مُحِبِّينَا وَ مَوَالِي أَوْلِيَانِنَا وَ مُعَادِي أَعْدَائِنَا وَ الْمُسْلِمُ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ لَنَا»

به او بگو: اینطوری نیست. شیعیان ما از بهترین اهل بهشت اند. تمام محبین ما و موالیان ما، آنهایی که دوستان ما را دوست و دشمنان ما را دشمن می دارند، اینها همگی در بهشت هستند.

ولی خدای عالم بخاطر گناهی که شیعیان ما می کنند، اینها را گرفتار بلاها و مصیبتها می کند. در دنیا، در قبر، و نیز در عرصات قیامت، به انواع گرفتار بلاها گرفتار می کند تا گناهانشان بخشیده شود و شایستگی رفتن به بهشت را داشته باشند.

«بَعْدَ مَا يُطَهَّرُونَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ بِالْبَلَايَا وَ الرِّزَايَا أَوْ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ بِأَنْوَاعِ شَدَائِدِهَا أَوْ فِي الطَّبَقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ بَعْدَ أَيَّهَا إِلَى أَنْ نَسْتَنْقِذَهُمْ بِحُبِّنَا مِنْهَا وَ نَنْقُلَهُمْ إِلَى حَضْرَتِنَا»

بعد از اینکه با بلایا و گرفتاریها، از گناهان پاک شدند، ما می‌رویم اینها را شفاعت می‌کنیم و از آتش جهنم بیرون می‌آوریم و به نزد خودمان در بهشت می‌بریم.

بحار الأنوار (ط- بیروت)، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ ناشر: دار إحياء التراث العربي، بیروت -

1403؛ ج 65، ص 155، ح 11

و باز روایت داریم که روای آمد خدمت امام صادق (سلام الله علیه) و گفت: یابن رسول الله شما می‌گویید همه شیعه‌ها در بهشت هستند، فرمود: بله؛ «لا شك ولا ريب»!

کسی که شیعه علی باشد، معتقد به ولایت علی و ولایت ائمه (علیهم و السلام) باشد یقیناً برای همیشه در جهنم نمی‌ماند. و گناهانی که کرده است از باب:

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ)

پس هر کس به اندازه سنگینی ذره‌ای کار خیر انجام داده آن را می‌بیند. و هر کس به اندازه ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند.

سوره زلزله (99): آیه 7 و 8

عذاب گناهان خود را می‌بیند و پاک می‌شود. آنجا میزان می‌آورند و گناهان را در یک کفه میزان می‌گذارند و در یک کفه میزان، حسنات او را می‌گذارند؛ اگر چنانچه حسنات بیشتر شد می‌رود بهشت؛ و اگر سیئات بیشتر شد، می‌رود جهنم!

ولی در جهنم به قدری می‌ماند که گناه کرده است. اینطوری نیست که شیعه علی و کسی که با ولایت علی از دنیا رفته است، در جهنم مخلد باشد.

قطعاً یکی از دعا‌های مهم مان باید این باشد که از خدا بخواهیم ما را عاقبت بخیرمان کند. این خیلی مهم است.

در روایت داریم افرادی هستند که اعمال خیر انجام می‌دهند، کارهای خوب انجام می‌دهند ولی عاقبت شان به شر می‌شود، موقع جان دادن توفیق شهادتین را پیدا نمی‌کنند و کافر از دنیا می‌روند. اگر 124 هزار پیغمبر هم شفاعت کنند: «لَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ»

ولی اگر موقع جان دادن، با شهادت به وحدانیت حق، و شهادت به رسالت نبی مکرم، و شهادت به ولایت علی و اولاد علی از دنیا رفتیم، یقین بدانیم که عاقبت کار ما بهشت است و در آن هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

در هر صورت، راوی به امام صادق (سلام الله علیه) گفت: یابن رسول الله شما می‌گویید همه شیعیان به بهشت می‌روند؟ فرمود: بله.

گفت: آخر اینها گناه می‌کنند، فرمود: خدای عالم اینها را در دنیا گرفتار شان می‌کند اذیتی، آزاری به آنها می‌رسد؛ گفت: اگر گناهشان به قدری زیاد بود و با این مصیبت‌ها پاک نشد چه؟

فرمود: خدای عالم موقع جان کندن، اینها را یک مقداری گوش مالی می‌دهد. گفت: اگر با آن هم نشد چه؟ فرمود: در عالم برزخ، خداوند یک مقدار گرفتارشان می‌کند تا گناهانشان بخشیده شود.

گفت: اگر آن هم نشد؟ فرمود: در قیامت و در عرصات قیامت، خدای عالم سخت می‌گیرد. گفت اگر با آن هم نشد؟ حضرت فرمود: ما شفاعت می‌کنیم.

و لذا من از همه عزیزان و بزرگوارانی که در این عزاداری سید الشهداء شرکت می‌کنند تقاضای عاجزانه دارم، کاری نکنند که فردای قیامت، گناهانشان موجب گرفتاری آنها بشود و با شرمندگی لیاقت شفاعت ائمه را پیدا کنند. حضرت فرمودند:

«شَفَاعَتُنَا لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ شِيعَتِنَا وَ أَمَّا النَّائِبُونَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ- مَا عَلَى الْمُخْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ»

شفاعت ما برای آن دسته از شیعیان ما هست که گناهان کبیره کرده‌اند ولی آنهایی که توبه کرده‌اند که کاری به ما ندارند.

من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413 ق؛ ج 3، ص 574، ح 4964

ولی اگر ما رابطه خودمان را با اهل بیت خوب کردیم، اگر گناهی هم از ما سر زد تلاش کنیم جبران کنیم، نمازی از ما قضا شد، قضایش را به جا بیاوریم، اگر روزه‌ای از ما قضا شد تلاش کنیم روزه مان را به جا آوریم، اگر حق الناسی گردن ما بود، بتوانیم تا آن اندازه که می‌شود انجام دهیم و تلاش کنیم نسبت به تقصیرها و قصوراتمان جبران کنیم.

وقتی گناهانمان از حد گذشت، چه کنیم!؟

حالا بعضی وقت تقصیرات به قدری زیاد هست که قابل جبران نیست. در آنجا دیگر باید یک رابطه‌ای ویژه با اهل بیت داشته باشیم. من همیشه به دوستان می‌گویم تلاش کنیم با یکی از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) رابطه دوستی و عشق برقرار کنیم.

حالا یک کسی عشق به امیرالمؤمنین دارد، وقتی اسم علی می‌آید اشکش جاری است؛ یکی می‌خواهد با حضرت زهرا عشق کند، نام حضرت زهرا می‌آید بدنش می‌لرزد، یکی هم با امام مجتبی (سلام الله علیه) مأنوس است.

یکی هست می‌گوید نه، من با علی اصغر حسین می‌خواهم رابطه داشته باشم. اسم علی اصغر می‌آید قطرات اشکش جاری است؛ یکی هم با دختر سه ساله امام حسین مأنوس است.

در هر صورت، من توصیه می‌کنم ببینید این دلتان کجا می‌رود؟ این دل، هوای چه کسی را دارد؟ تا این دل نخواهد، انسان نمی‌تواند پرواز کند. نمی‌تواند رابطه برقرار کند. فلذا من این روایت را هم می‌خوانم بعد یک نکته‌ای هم در رابطه با امشب که مربوط به «حر بن یزید ریاحی» است عرض می‌کنم.

«حر بن یزید ریاحی» گناه بزرگی انجام داد ولی جبران کرد. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: فردای قیامت حساب شیعیان به عهده ما هست:

«إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وُلِينَا حِسَابَ شِيعَتِنَا فَمَنْ كَانَتْ مَظْلِمَتُهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَكَمْنَا فِيهَا فَأَجَابْنَا»

فرمود: اگر گناهش بین خود و بین خدا بود، مثلاً نمازی نخوانده، روزهای نگرفته و تلاش هم کرده که اینها را جبران کند و عنادی نداشته است، ما درباره آنها حکم می کنیم و حکم ما هم مقبول واقع می شود. ولی یکی هست نماز نخوانده، اصلاً عناد دارد و نمی خواهد قضایش را هم به جا بیاورد؛ آن اصلاً حسابش جدا است. جمله جالب روایت اینجا است که فرمود:

«وَمَنْ كَانَتْ مَظْلِمَتُهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ اسْتَوْهَبْنَاهَا فَوُهَيْتُ لَنَا»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ناشر: نشر جهان، تهران - 1378ق؛ ج2، ص 57، ح 213

فرمود: اگر چنانچه حق الناسی هم در گردنشان است، ما می رویم از آن افرادی که از شیعیانمان دلخور هستند و حقی به گردن شیعه ها دارند، از آنها خواهش می کنیم تا شیعیان ما را ببخشند و آنها هم بخاطر ما می بخشند. ببینید اگر ما رابطه را برقرار کردیم و ارتباط مان را محکم کردیم، آنجا اهل بیت (علیهم السلام) حتی نسبت به حق الناس هم، به ما کرم می کنند. در زیارت «جامعه کبیره» می خوانیم:

«وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ»

سجیه شما و وصف همه شما کرم است و عادت شما احسان است.

من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413 ق؛ ج 2، ص 616، ح 3213، باب زیارة جَامِعَة

لِجَمِيعِ الْأَيِّمَةِ

و لذا ما باید تلاش کنیم رابطه مان را با اهل بیت برقرار کنیم و اگر گناهی و تقصیری از ما سر زد، «حر بن یزید ریاحی» وار، جبران کنیم.

داستان پیوستن «حر بن یزید ریاحی» به سپاه امام حسین (سلام الله علیه)

داستان «حر بن یزید» را مفصل شنیده‌اید؛ من دیگر چون فرصتی هم نیست و یکی دو دقیقه بیشتر وقت ندارم، کوتاه عرض می‌کنم که «حر» آمد در منزل «ذی حُسم» جلوی امام حسین را گرفت و نگذاشت امام حسین نه به مدینه برود، نه به مکه برود، نه به جای دیگر برود.

او دوشادوش امام حسین حرکت کرد تا آنجایی که آمد در سرزمین کربلا و دیگر نگذاشت سید الشهداء، نه برگردد، نه جلو برود، نه به مدینه و نه جای دیگر برود. لذا حضرت فرمود: در همین کربلا خیمه‌ها را بنزید.

شما حساب کنید در برابر امام معصوم ایستاد، قلب بچه‌های پیغمبر را ترساند و لرزاند؛ این کم گناهی نیست خیلی گناه بزرگی است؛ ولی در برابر کرم خدا؛ کرم اهل بیت؛ اینها چیزی نیست. ولی وقتی «حر بن یزید ریاحی» در بحبوحه آغاز جنگ، ناله حسین را شنید که فرمود:

«أَمَا مِنْ مُغِيثٍ يُغِيثُنَا لَوْجِهِ اللَّهُ أَمَا مِنْ ذَابٍّ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ»

آیا فریاد رسی هست به فریاد ما برسد؟ آیا کسی هست شر این قوم را از حرم رسول الله باز دارد؟

اللهوف علی قتلی الطفوف / ترجمه فهری؛ نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی- فهری زنجانی، احمد،

ناشر: جهان، تهران، 1348 ش؛ ص 102

می‌گوید: وقتی این صدای حسین به گوش «حر» رسید، بدنش لرزید، اشک از چشمانش جاری شد، خود را بین جهنم و بهشت دید و به بهانه آب دادن از سپاه عمر سعد جدا شد به طرف خیمه‌های امام حسین آمد، سرش پایین، سپرش را به سر گرفته، دست بر سر نهاده، صدا می‌زد:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَتَبْتُ فَتُبْ عَلَيَّ فَقَدْ أُرْعَبْتُ قُلُوبَ أَوْلِيَائِكَ وَ أَوْلَادِ بِنْتِ نَبِيِّكَ»

خدا گناه من خیلی بزرگ است قلب اولیاء تو را به درد آوردم، قلب‌های بچه‌های پیغمبر را به درد آوردم و ترساندم.

اللهوف علی قتلی الطفوف / ترجمه فهری؛ نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی- فهری زنجانی، احمد،

ناشر: جهان، تهران، 1348 ش؛ ص 103

وقتی امام حسین چشمش به حر افتاد فرمود: از اسب پیاده شو؛ توبهات قبول است. اولین خواهشی که حر از امام حسین کرد این بود که گفت: یابن رسول الله! من اولین کسی بودم که در این بیابان در حق شما جفا کردم. من مانع حرکت شما شدم. من می‌خواهم به من منت بگذاری، اولین کسی باشم که در رکاب تو به شهادت برسم.

داستانش مفصل است با «زهیر بن قین» دوتایی رفتند با هم دیگر جنگیدند و بیش از چهل و چند نفر از سپاهیان «عمر بن سعد» را به درک واصل کردند تا اینکه سپاهیان، یک دسته حمله کردند و «حر بن یزید ریاحی» را گرفتار نمودند.

وقتی حر از اسب افتاد، امام حسین فرمود بروید بدن «حر بن یزید ریاحی» را به طرف خیمه‌ها بیاورید. وقتی امام حسین (سلام الله علیه) بالای سر «حر بن یزید ریاحی» قرار گرفت، هنوز رمقی در بدنش بود. این جمله امام حسین بالاترین مدال افتخار حر است که فرمود:

«بِحُ بَحِّ يَا حُرُّ أَنْتَ حُرٌّ كَمَا سُمِّيتَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»

تبریک به تو ای حر! تو آزاد هستی در دنیا و آخرت

الأمالی (للسدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی، تهران - 1376 ش؛ ص 160

یا به نقلی فرمود:

« أَنْتَ الْحُرُّ كَمَا سَمَّيْتِكَ أُمَّكَ »

همانطوری که مادرت تو را حر نام نهاده است تو واقعاً حر هستی

اللاهوف علی قتلی الطفوف / ترجمه فهری؛ نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی- فهری زنجانی، احمد،

ناشر: جهان، تهران، 1348 ش؛ ص 104

عزیزان! اگر خواستیم توبه کنیم، حر وار توبه کنیم تا حضرت ولیعصر هم، امام حسین وار با آغوش باز از ما بپذیرد.

خدایا قسمت می‌دهیم به آبروی سید الشهداء و یارانش، به ویژه اولین شهید «حر بن یزید ریاحی» فرج مولای ما حضرت ولیعصر را نزدیک بگردان. همه ما را از یاران خاصش قرار بده، توفیق شهادت در رکابش به همه ما کرم نما، دعا‌های ما به اجابت و حوائج ما برآورده نما.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ویژه برنامه قتیل العبرات با کارشناسی کارشناسی حجت الاسلام و المسلمین استاد ابوالقاسمی

مجری:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَّلَ فَرَجَهُمْ»

عرض سلام و ادب و احترام و تسلیت و تعزیت ابتدا به محضر حضرت صاحب الزمان مهدی موعود(عج) و بعد از آن تقدیم به شما بینندگان محترم شبکه جهانی ولیعصر، خدا را شکر که در چهارمین شب ماه محرم میهمان خانه‌های شما هستیم و در حسینیه کوچک و ساده مان پذیرای نگاه مهربان شما هستیم خدا را هزاران مرتبه بی‌نهایت شکر که ما را در مسیر جاده‌ای قرار داد که فقط یک مقصد دارد و آن بهشت است، یک مقصد دارد و آن عاقبت به خیری است، یک مقصد دارد و آن رسیدن به کمال است کسی که در مسیر اهل بیت قدم بردارد خدا و اهل بیت همه دست به کار می‌شوند تا مقدمات صفر او را فراهم بکنند و توشه راهش را برایش جفت و جور بکنند.

در خدمت کارشناس محترم برنامه هستیم قبل از این هم تشکر می‌کنم از آقای جداه حضرت آیت الله قزوینی از محضر شان استفاده کردیم پای روزه و پای منبر شان نشستیم می‌خواهیم از محضر استاد ابوالقاسمی استفاده بکنیم، ارادت داریم استاد.

استاد ابوالقاسمی:

سلام علیکم و رحمة الله بنده هم عرض سلام دارم خدمت شما و همه بینندگانی که تا الان بیننده این روضه شبه خانگی و سنتی از شبکه حضرت ولیعصر(عج) بودند این شاء الله که توانسته باشین این حس و حال ساده محرمی را به همه به خانه همه عزیزان منتقل کنیم، خدمت‌تان هستم جناب علوی عزیز

مجری:

جناب استاد امشب آیت الله قزوینی روضه حضرت حر و داستان حر را روایت کردند مداح بزرگوار مان از حر خواندند، داستان حر که به گوش مان می‌خورد نمود عینی عاقبت به خیری را در وجود یک انسان می‌توانیم ببینیم و مشاهده بکنیم خیلی از آدم‌ها سال‌های زیاد از عمر شان را به عبادت مشغول هستند تا آستانه پیری تا خود پیری نماز شب شان ترک نمی‌شود، قرائت قرآن شان ترک نمی‌شود در ظاهر همه اسباب و لوازم عاقبت به

خیری را به همراه دارند اما آن لحظات آخر ماه‌های آخر سال‌های آخر یک اتفاقی می‌افتد از مسیر کمال دور می‌شوند و بالعکس آن را هم بسیار دیدیم در طول تاریخ که خیلی‌ها ممکن است مسیر به ظاهر اشتباهی را طی می‌کنند ولی خداوند یک طوری دست آنها را می‌گیرد و در جاده عاشقی می‌گذارد در جاده مستقیم می‌گذارد که دقیقاً **اهدنا الصراط المستقیم** شان مستجاب می‌شود، راجع به عاقبت به خیری صحبت بکنیم به سوی عاقبت به خیری.

استاد ابوالقاسمی:

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از نکات خیلی مهمی که در روایت هم دارد اگر، خدمت حضرت عرض کرد اگر شب قدر را درک کردم چه چیزی طلب بکنم فرمودند حسن عاقبت، البته خوب حسن عاقبت یک چیزی نیست که به دفعای دست انسان برسد به سابقه انسان مربوط می‌شود به کارهای که انسان قبلاً انجام داده و به آن نیت خالصی که داشته اما این نیت خالصی که داشته است آیا واقعاً اراده‌اش آن دستورالعملی که در که در زندگی خودش به کار برده آیا آن دستورالعمل واقعاً پیاده شده در زندگی او یا خیر؟ بعضی‌ها ادعا می‌کنند که بله حالا ما این دستورالعمل را پیاده کردیم ولی وقتی نگاه می‌کنیم به زندگی شان می‌بینیم نه یک ادعای داشتند و این واقعیت نداشته است، این یک جنبه.

جنبه دوم، بعضی افراد یک کارهای انجام دادند بعد از مردن شان هم دچار مشکل می‌شوند یا دچار حسن عاقبت یا دچار سوء عاقبت با توجه به آن به اصطلاح سنت حسنه یا سیئه‌ای که گذاشته‌اند بعضی مردم در روایت دارد طرف از دنیا می‌رود جایگاهش بهشت نبوده ولی به خاطر آن خیرات و حسناتی که فرزند خوبی که تربیت کرده آن فرزند برای او انجام می‌دهد این جایگاهش می‌شود بهشت.

خب ما در مسئله عاشورا چند جنبه داریم یک عده افرادی بودند خب نگاه می‌کنیم در مورد ائمه (علیهم و السلام) در مورد کسانی که ائمه را کشتند در تاریخ چطور آمده خب حالا از حضرت صدیقه طاهره خانم هجوم به خانه‌اش کاری نداریم، امیرالمؤمنین علی یابن ابی طالب خب آنطوری که در تاریخ نقل شده ابن ملجم به عنوان یک قاری سرشناس بود که حتی در بعضی از کتب اهل سنت آمده که عمر دستور داد او را به عنوان قاری برتر به عنوان معلم قرآن برای مردم، حالا آن مسجدی که بود آن شهری که بود قرار بدهید یعنی در زمان خلیفه دوم او را به دستور عمر به عنوان یک شخص قاری قرآن سرشناس آوردند به مردم معرفی کردند خب این کسی که همچنین جایگاهی داشت آمد پیش حضرت علی (ع) برای بیعت دفا اول ردش کردند دوم ردش کردند سوم، تو قاتل من هستی حالا ادعای بیعتت می‌شود بیا خب نگاه کنید از کجا به اشغل، یک جایگاه ظاهری خوبی در واقع ظاهر بین مردم داشته باشیم او جزء قراء بوده، قراء یک مجموعه‌ای بودند که در زمان دوم گفت فقط قرآن بخوانید کاری به حدیث و فهم و اینها نداشته باشید اینها را خیلی بزرگ کرد در بین مردم و همان‌ها آمدند خوار شدند به گفته اهل سنت، خب نگاه کنید یک مجموعه بزرگی به کجا رسید آخر شان، این یک نمونه.

قاتلین امام حسن مجتبی، خب ما نگاه می‌کنیم معاویه‌ای که دستور به قتل حضرت داده صحابه به حساب می‌آید در نظر اهل سنت ولی خب شهادت امام حسن مجتبی را می‌توانند کاری بکنند و انکارش می‌کنند یا همانطوری که گفتم برای بعد از وفات بعضی افراد در بعضی از روایات آمده که حتی بعضی از نزدیکان خلیفه دوم سم را برای جعهه آورد از طرف معاویه یعنی یک محدوده‌ای پرورش داده بودندن برای بعضی افراد که همین طور داسشت کار خودش را انجام می‌داد.

و در زمان آقا سید الشهداء خب باز برگردیم بخواهیم به آن قدیم‌های آن برگردیم این در کتاب الوشی المرقوم صفحه 383، الوشی المرقوم فی حل المنظوم ضاء الدین ابن اثیر از علمای سرشناس اهل سنت در صفحه 383 می‌آید می‌گوید:

ضیاء الدین ابن اثیر، الوشی المرقوم، صفحه 383

«وَأَعْلَمُ أَنَّ الْحُسَيْنَ لَمْ يُقْتَلْ فِي يَوْمِ كَرْبَلَاءَ»

حسین که در عاشورا شهید نشد

«وَإِنَّمَا قُتِلَ فِي يَوْمِ السَّقِيفَةِ»

حسین در سقیفه به شهادت رسید

«فِي هَذَا الْكَلَامِ مَيِّعَنَ الْأَثَرِ الْمَنْقُولِ فِي قِصَةِ يَوْمِ السَّقِيفَةِ»

حالا می‌آید می‌گوید این ماجرای خود سقیفه هم ما اگر بخواهیم همینجا ثابت بکنیم با یک سری ماجراهای می‌توانیم نقل کنیم، خب این دید علمای اهل سنت است که یک زمینه سازی شد برای کربلا اما بعد از آن زمینه سازی‌ها ما می‌بینیم افرادی بودند که حالا یا در جبهه حق بودند یا در جبهه باطل وقتی آمدند در عاشورا دیگر آن نهایت خودشان را نشان دادند و انتخاب کردند که حالا این فهرستی که می‌خواهم عرض کنم فهرستی از صحابه است که بعضی شان در جانب سید الشهداء(علیه الصلاة و السلام) قرار گرفتند و بعضی در جانب کشتن سید الشهداء و لشکر یزید، الان هم هست لشکر یزید هست لشکر سید الشهداء هم هست دیگر این فرقی نکرده است.

مجری:

ما رنگ خاکستری این وسط نداریم یا سفید است یا سیاه

استاد ابوالقاسمی:

بله بله اینجا دیگر همه از هم جدا می‌شوند، شخصی بود به نام انس ابن حارث در العصابه آورده ماجرای او را و روایات او را و حالا من اگر بیاورم، بله **العصابه انس ابن حارث بن نبی**، بعد جالب اینجا است صحابی است اما:

«قال بن السكن في حديثه النظر»

ما نمی‌توانیم خیلی روایتش را قبول بکنیم

«و قال البخاری أنس بن الحارث قتل مع الحسین بن علی سمع النبی(ص)»

این مقدار ش که سمع النبی بخاری گفته یعنی از پیغمبر(ص) سماع داشته یعنی صحابی است

«و قتل مع الحسین بن علی»

در دفاع از سیدالشهداء به شهادت رسیده

و بعد از آن روایتی نقل کرده‌اند که پیغمبر فرمود:

«إن ابنی هذا یعنی الحسین يُقْتَلُ بأرض یقال لها کربلا فمن شهدا ذلک منکم فلینصره فخرج انس بن الحارث

إلی کربلا فُقْتِلَ بها مع الحسین»

شنیده بود می‌دانست همه می‌دانستند چه می‌خواهد بشود یعنی ماجرای کربلا را خیلی‌ها از اصحاب پیغمبر شنیده بودند و می‌دانستند اینجا دارد آن نهایت امتحان می‌رسد باید یا خودمان را آماده کنیم برویم آن طرف یا این طرف لذا حر گفت خودم را بین چه می‌بینم؟ بین جهنم و بهشت می‌بینم می‌دانست اینجا آخرش است می‌دانست جنگ جدی شده می‌دانست اینجا وایستادن فردا موجب چه است؟ جهنمی شدن است و رفتن پیش سید الشهداء بهشتی شدن است، خب از این طرف ما یک سرس صحابی داریم چنین جایگاهی داشتند. جناب حبیب بن مظاهر که حالا در کتب اهل سنت به جای حبیب حنیت نقل شده حالا تصحیف است دیگر این خیلی تأثیری ایجاد نمی‌کند جای نقطه‌ها جا بجا شده، در **العصابه** آورده:

«حنیت بن مظاهر بن رئاب بن الاشر له ادراک و عمر»

عمر طولانی داشت پیغمبر (ص) درک کرده

«حتی قتل مع الحسین بن علی»

همراه با سید الشهداء به شهادت رسید

که چه جایگاهی دارد حبیب بن مظاهر باب سیدالشهداء است ورودی دم ضریح می‌خواهی وارد بشوی یک سلام می‌کنی اگر از همان در بغل بی‌آبی دوباره باید به حبیب سلام کنی یعنی وارد می‌شوی به سیدالشهداء یک سلام می‌کنی به حبیب دوبار سلام می‌کنی قدیما هم که همه از همانجا می‌رفتند می‌آمدند و حالا پرسیدند از بعضی از بزرگان که چرا اینطور بوده؟ فرمودند چون دوبار جانش را فدای سیدالشهداء کرده آن ماجرای دوران کودکی هم معروف است دیگر.

صحابه دیگری که در کنار سید الشهداء شهید شده طریف بن عوان بن سلمه در **العصابه** آورده

«قُتِلَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ»

صحابی دیگری که خیلی کم از او گفته می‌شود و حالا یک برنامه خاص باید راجع به او صحبت کرد خیلی هم عجیب است عبدالله بن یقطر یا عبدالله بن بقطر.

مجری:

که اینها تماماً سن پیری بودند دیگر در آن زمان.

استاد ابوالقاسمی:

همه سن پیری حالا این عبدالله بن بقطر هم ماجرایش خیلی جالب است خب سیدالشهداء(ع) معروف است دیگر از هیچ کسی شیر نخورده‌اند وقتی به دنیا آمدند حضرت صدیقه طاهره نتوانستند به ایشان شیر بدهند و دیگر تا اینجا یک پرانتیز باز می‌کنند می‌بندند یک قسمتش را نمی‌گویند که بردند پیش پیغمبر، پیغمبر(ص) انگشت مبارک در دهان سیدالشهداء می‌گذاشتند و ایشان از انگشت مبارک پیغمبر شیر می‌نوشیدند، ولی اینجا چه اتفاقی رخ داد؟ خب این در و همسایه این بچه‌ها، بچه دارد می‌میرند چنین کنید چنان کنید بروید فلان زن،

این طرف آن طرف، به دو سه نفر دادند که اینها هم شیر بدهند به سیدالشهداء اما سیدالشهداء اصلاً شیر نخورد از اینها اما اسم آن بچه‌ها را گذاشتند رضی‌الحسین همین که سیدالشهداء را در دامن آنها گذاشتند اینها را گفتند چه؟ رضی‌الحسین، یکی شان عبدالله بن بقطر یا یقطر است که خیلی عجیب است و در بعضی از کتب به نظرم مرحوم آقای مرعشی نجفی فرمودند که مادرش خادمه سیدالشهداء بود با اینکه همسایه بود می‌آمد خدمت می‌کرد و این بچه در خانه حضرت زهرا(س) بزرگ شد هم سن سیدالشهداء هم بوده، هم سن و هم‌بازی و خدمتگذار، مادرش خدمتگذار بوده خودش هم خدمتگذار شده، و آمد تا کربلا و در کربلا جانش را فدای سیدالشهداء کرد شیعه و سنی این را نقل کرده‌اند که خیلی هم عجیب است.

مجری:

یک بار دیگر اسمش را بفرماید.

استاد ابوالقاسمی:

عبدالله بن بقطر یا یقطر هر دوی آن نقل شده، و چه مسائل عجیبی از امیرالمؤمنین این نقل کرده و پیش‌گویی‌های داشته که امام صادق(ع) در کتاب کافی به پیش‌گویی‌های او استناد کرده‌اند که این معروف بود پیش‌گویی‌هایش از امیرالمؤمنین شنیده بود به شعر هم می‌گفت خیلی هم فصیح بود و معروف بود ماجرایش که حالا همین پیش‌گویی‌ها می‌گویند دست بعضی از این افراد افتاده که، کتابش بوده ولی متأسفانه سرقط شده کتاب شعر او دیگر به دست ما نرسیده، این عبدالله بن بقطر.

عمار بن ابی سلمه لَهُ إِدْرَاكٌ در العصابه می‌گوید:

«و كان قد شهدَ مَعِ عَلِيٍّ مشاهده»

در جنگ‌های حضرت علی کنار حضرت علی(ع)

«وَقُتِلَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بِالطَّفِّ»

در کربلا با سیدالشهداء شهید شد.

یزید بن مغفل، اگر درست بخوانم آمد و رجز هم خوانده رجزش هم نقل شده

«ان تنکرونی فانا ابن مغفلی شاکی لیدی هیجاء غیر اعظلی»

من زمان جنگ که می‌شود این نیست که رها کنم در بروم نه شمشیرم را برمی‌دارم و می‌آیم برای جنگ

در العصابه شماره 9422

خب نگاه کنید از این طرف یک عده‌ی چطور از کودکی یکی شان آمده پای کار تا همراه با سیدالشهداء، حبیب بن مظاهر و دیگران و خب از آن طرف هم زهیر بن قین است که آمدن، صحابی نقل نکرده‌اند ولی آمد از عثمانی‌ها که ملحق شد به سیدالشهداء، و جالب اینجا است خب در طرف مقابل عثمانی‌ها بودند عثمانی‌ها چه کسانی هستند؟ کسانی که می‌گفتند عثمان به صورت مظلوم شهید شده و علی در کشتن او نخالت داشته و لذا ما باید بیاییم قصاص بکنیم از قاتلین عثمان، این هم حالا بد نیست در جواب این شبهاتی که وهابی‌ها مطرح می‌کنند که شیعیان قاتلین سیدالشهداء هستند در **منهاج السنه جلد چهار ابن تیمیه** می‌آید می‌گوید:

«اولئك النواصب»

نواصب کلمه‌ی بود خاص بر عثمانی‌ها

«الذین قتلوا الحسین»

اینها بودند که سیدالشهداء را کشتند

یا در مورد عمر بن سعد خود ابن تیمیه می‌گوید، **منهاج السنه في نقض كلام الشيعة والقدرية جلد دوم** می‌آید
می‌گوید:

«فلو أن النواصب فعلوا بعمر بن سعد مثل ذلك فمدحوه على قتل الحسين لكونه كان من شيعة عثمان»

نواصب آیا می‌آیند عمر بن سعد را مدح کنند چونکه از شیعیان عثمان بود و از طرفداران او؟

زهیر بن قین هم در همین دسته بود که وقتی روز عاشورا شد گفتند زهیر تو شیعه این گرده نبودی تو شیعه ما
بودی شیعه عثمان بودی، خود سیدالشهداء می‌فرمایند که:

«يا شِيعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ! إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ»

خب اینها یک طرف بودند برویم سراغ طرف دوم، یک گروهی از صحابه در کشتن سیدالشهداء دخیل بودند به
حدی این قضیه سنگین بوده برای اهل سنت که می‌گویند آقا صدایش را در نیارید.

«قال الغزالي و غيره و يحرم على الواعظ و غيره رواية مقتل الحسين و حكاياته»

چرا اهل سنت روزه خوانی کمتر دارند؟ چرا کمتر دارند؟ با اینکه البته دیشب یکی از کلیپ‌های که پخش کردیم
همین روزه خوانی شان بود چرا کمتر دارند؟ یک کلیپی چند سال قبل از مفتی اعظم سوریه پخش شد که
می‌گفت:

آقا به ما می‌گویند روزه حسین را نخوانید چرا؟ چونکه اگر بخوانید مردم شیعه می‌شوند

همین است

«و يحرم على الواعظ و غيره رواية مقتل الحسين و حكاياته»

می‌گویند نباید اینها نقل بشود چرا؟ چون اگر ماجرای مقتل حسین را نقل کنی

«فإنه يهيج على بغض الصحابة»

موجب دشمنی صحابه می‌شود

مجری:

پس صحابه یک کاری کرده‌اند که اینجا گناهکار بودند و مردم

استاد ابوالقاسمی:

«و هم أعلام الدين»

اینها بزرگان دین ما هستند

«تلقى الأئمة الدين عنهم رواية»

ما روایت دین را از آنها شنیده‌ایم، روایتش آنها برای ما نقل کرده‌اند

خب عمر همین بن سعد که عثمانی بود روایت دارد در کتب اهل سنت چی کارش کنند؟ می‌گویند آقا قبولش نداریم، شمر را به عنوان یک راوی حد اقل نقل می‌کنند، اینها را چه کار بکنند؟ لذا ما می‌بینیم خیلی باید مراقب عاقبت مان باشیم این مطلبی که الان عرض کردیم در **صوائق آمده حواشی شروانی آمده در حاشیه جمل آمده و دیگر کتب** اما افرادی که در لشکر عمر بن سعد و یزید بودند اسماء بن خارجی فزاری در **العصابه** او را آورده اسماء بن خارجه بن حصن بعد می‌آید می‌گوید صحابی است و مشارکت داشته در کشتن سیدالشهداء از جمله کسانی که بود می‌گوید: بن زیاد او را مأمورد کرد به او گفت:

«طوفوا في الناس فمروهم بالطاعة والاستقامة وخوّفوهم عواقب الأمور»

بروید در بین مردم بچرخید و به آنها خبر بدهید که چه اتفاقی می‌خواهد بی‌افتد، ما می‌خواهیم برویم حسین را بکشیم اگر نیاید خلاصه چنین و چنان تان خواهیم کرد

اسماء بن خارجه، ابن زیاد او را خواست به او گفت تو و محمد بن اشعث بن قیس و قعقاع بن سوید و کثیر بن شهاب حارثی که حالا اینها هم احتمال زیاد خیلی‌های شان صحابه هستند حالا عرض می‌کنیم، گفت بروید بین مردم صحبت کنید

«طوفوا في الناس فمروهم بالطاعة والاستقامة»

به آنها دستور بدهید که باید از خلیفه اطاعت کرد

به شمر گفتند چرا سیدالشهداء را کشتی؟ گفت باید از خلیفه اطاعت کرد حکم شرعی ما است

«وحوّفوهم عواقب الأمور والفتنة والمعصية»

بترسانید شان

«وحثوهم على العسكرة»

مردم را جمع بکنید که در لشکر جمع بشوند

یک صحابه پیغمبر(ص) کارش به جای برسد برود مردم را جمع کند برای کشتن سیدالشهداء! این خیلی خطرناک است ما یعنی آرزوی مان این بود که پیامبر(ص) را ببینیم اما خب اگر خدای نکرده ما پیامبر را می‌دیدیم اما مثل همین صحابی می‌شدیم.

مجری:

آقا غیر ممکن است اینها از زبان پیامبر بدون واسطه احادیث مثل شباب اهل الجنه ار نشنیده باشند.

استاد ابوالقاسمی:

هر روز پیامبر(ص) به اهل بیت درود می‌فرستاد صحبت می‌کرد، خانه شان چسپیده به خانه حضرت صدیقه طاهره است در نماز امام حسن و امام حسین را با خودش می‌برد نماز مگر می‌شود ندیده باشند؟ و طرف صحابی پیامبر باشد بیاید جمع کند نیروها را برای کشتن سیدالشهداء؟ در کشتن هانی مشارکت داشت این و بعد وقتی مختار هم آمد این فراری شد چون می‌دانست که جناب مختار انتقام خواهد گرفت.

حجار بن ابجر عجلی در **العصابه** او را آورده به عنوان اینکه **لَهُ ادراکٌ، لَهُ ادراکٌ** را مقام صحابی می‌دانند در واقع، آدم قصه می‌خورد اینکه بگوید حسن عاقبت جزو کسانی است که به سیدالشهداء نامه نوشتند البته دو مدل نامه داریم برای سیدالشهداء، یک مدل نامه‌های جناب حبیب و امثال حبیب است که تو امام ما هستی تو چنین هستی چنان هستی یک مدل نامه‌های امثال شبت، محمد بن عمیر، حجار بن ابجر که بله اینجا وضعیت زندگی خیلی خوب است و فقط، یک حاکمی مثل شما را کم داریم که بیا پیش ما.

«اما بعد فقد اخضر الجناب، واینعت الثمار، وطمت الجمام، فاذا شئت فاقدم علينا فانما تقدم علی جند لک مجند»

ما یک لشکری برایت آماده کردیم شما خلیفه می‌شوی، بیا حکومت تشکیل بده، غذا هم که خوب هست آب هم که خوب هست، بیا اینجا وضعیت خوب است

این یک مدل نامه هست، یک مدل نامه، نامه‌های حبیب بن مظاهری است که «من الحبيب الی الحبيب» خب حالا بازهم، حداقلش آقا حجار تو که نامه نوشتی به سیدالشهداء اقلأ پای نامه‌ات می‌ایستادی فاصله آن چقدر بود؟ دو ماه.

مجری:

آقا دو بیت شعر بخوانم؟

استاد ابوالقاسمی:

بفرماید.

مجری:

چقدر نامه مکر و فریب می‌آمد

برای او که غریبِ غریب می‌آمد

امام خیمه به خیمه گل از گلش وا شد

درست مثل شبیب که حبیب می‌آمد

استاد ابوالقاسمی:

بله بعد جالب اینجا است جالب که، گریه دار اینجا است که روز عاشورا خود سنی‌ها نقل کرده‌اند سیدالشهداء رو کردند به حجّار، شبث، قیس اینها همه جزء صجابه حساب می‌شوند.

«ألم تکتبوا إلی»

شما نبودید به من نامه نوشتید؟ شما خودتان به من نامه نوشتید گفتند نه ما نوشتیم

حالا در بعضی از نسخه‌ها و متن‌ها دارد که حضرت گفتند بیارید نشان شان بدهید، بعد فرمودند که:

«إذْ كَرِهْتُمُونِي فَدَعُونِي أَنْصَرِفُ إِلَى مَأْمَنِي»

از من بدتان آمده بگذارید برگردم

« فقال له قيس بن الأشعث أو لا تنزل على حكم بني عمك ؟ فإنهم لن يروك إلا ما تُحب»

گفتند باید با یزید بیعت بکنی اگر بیعت بکنی یزید به تو لطف می‌کند

خب آقا تو یک صحابی پیامبر نامه نوشتی به سیدالشهداء بیا، این حسن عاقبت کجا خودش را نشان می‌دهد؟
باید حواس مان را جمع بکنیم اینها خیلی تأثیر گذار است و از خدا بخواهیم همین محرمی، خب این نمونه‌اش
را دیشب پشت صحنه با هم صحبت می‌کردیم رضا شاه مگر هیئت برپا نمی‌کرد؟

مجری:

خودش را گل آلود می‌کرد، بر سر و سینه می‌کوبید، گریبان چاک می‌کرد

استاد ابوالقاسمی:

یک شعر شما خواندید

مجری:

بله و به سرباز هایش یاد داده بود که این شعر و این نوحه را تکرار کنند و بر سر بکوبند که:

اگر در کربلا قزاق بودی

حسین فاطمه تنها نبودی

استاد ابوالقاسمی:

خب این از آنجا به کجا رسید؟ یک صحابه پیغمبر است نامه نوشته برای سیدالشهداء به کجا رسید؟ خیلی باید
از خدا ما حسن عاقبت بخواهیم مراقب باشیم که عاقبت به خیر بشویم.

آقا یک چند بیت شعر شما بخوانید چون...

مجری:

آقا یک تماس تلفنی داریم آقا محمد رضا از لاهیجان پشت خط هستند، آقا محمد رضا سلام عزاداری‌های تان قبول.

بیننده:

صدای من می‌آید؟

استاد ابوالقاسمی:

هست خیلی ضعیف است.

مجری:

صدای تان را داخل استودیو نداریم

بیننده:

صدای شما خیلی ضعیف است

استاد ابوالقاسمی:

صدای تان را داریم بفرماید.

مجری:

دوستان صدای داخل استودیو را زیاد کنند

بیننده:

خب صدای من را دارید شما؟

استاد ابوالقاسمی:

بله بفرماید

مجری:

بفرماید سلام علیکم

بیننده:

خب بسم الله الرحمن الرحيم حاج آقا ابوالقاسمی سلام علیکم خسته نباشید

استاد ابوالقاسمی:

علیکم السلام و رحمة الله

بیننده:

بخشید که مزاحم تان شدم، حاج آقا می‌خواستم دوتا مطلب خدمت شما بگویم از شما سؤال بپرسم مطلب اول در مورد آن فراز ناحیه مقدسه است که حضرت ولی عصر فرمودند «لَا بَكَيْنَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا» آیا این حقیقتاً به این صورت هست یا نه مجازاً هست؟ این مطلب اول.

مطلب دوم که در مورد بحث حاج آقا قزوینی که امشب در ابتدای شب، خب نشد که از ایشان بپرسم، می‌خواهم از شما بپرسم که آیا این درست است که می‌گویند حق الناس از حق الله بالاتر است یا نه، اینکه خدا از حق خودش می‌گذرد ولی از حق مردم نمی‌گذرد، آیا این ریشه روایی دارد یا نه؟ این مطلب دوم؛ مطلب سوم هم

درمورد قمه زدن است که اجازه به من بدهید من یک مطلبی عرض کنم گوشه را قطع می‌کنم بعد فرمایشات شما را در این زمینه می‌شنوم. شما می‌دانید دهه محرم که می‌شود روز عاشورا، نزدیک به عاشورا دیگر بحث قمه زنی بین مخالفین و موافقین خیلی زیاد می‌شود. متأسفانه این وسط توهین‌هایی هم می‌شود به مراجع تقلید چه مخالفین، چه موافقین که می‌گویند آقا فلانی شیعه اینگلیسی است آن هم می‌گوید شما فقه را نفهمیدید و الی آخر می‌خواهم بدان این واقعاً این کار مورد تأیید هست، و اینکه ما می‌آییم مراجع تقلید را تضعیف می‌کنیم آیا این واقعاً دل دشمن را شاد نمی‌کند، از کار ما؟ و آقای ابوالقاسمی شما بهتر می‌دانید که مراجع بزرگی هستند که قائل به قمه زدن هستند، واقعاً زشت نیست که من مثلاً به اینطور مراجع بگویم که آقا شما شیعه اینگلیسی هستید؛ می‌خواستم در این زمینه هم شما نظرتان را بفرمایید، که آیا اثلاً این کار درست هست یا نه؟ ببخشید وقت‌تان را گرفتم، اگر امری نیست من رفع مزاحمت کنم.

مجری:

آقا محمد رضا، حاج آقا ان شاء الله پاسخ خواهند داد، سپاس گذاریم که با ما تماس گرفتید دعای‌مان کنید برادر،

استاد ابوالقاسمی:

خب جواب سؤالات را بنده عرض بکنم از قمه زنی شروع می‌کنم، یکی از روایاتی که از امیرالمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) آمده است در بسیاری از کتب و چند سند هم دارد، این است که، حالا این یکی از روایاتی که من عرض می‌کنم، همین مضمون چند روایت دیگر هم دارد، یکی از آن حضرت علی است. در اوایل تشکیل حکومت اسلامی در مدینه یک شخصی به رسول خدا (ص) بی ادبی کرد امیرالمؤمنان همانجا شمشیر را برداشتند و یک ضربت زدند و او را به آن حقهش رساندند آوردند پیش پیامبر که یا رسول الله علی یک شخصی را کشته، حالا البته به آن ضمیمه هم بکنیم که امیرالمؤمنین کسی را نمی‌کشت مگر اینکه در نسلش همه از کفار باشند و منافقین، اینها با آن دیدی که امیرالمؤمنین داشت، آوردند پیش پیامبر آنها که نمی‌فهمیدند، می‌گویند رسول الله

علی یک کسی را کشته، پرسیدند که علی جان چرا این کار را کردی؟ فرمود که به این دلیل که حقش بود و حکم شرعی‌اش این بود و به هر حال دلیل را گفتند، فرمودند که کار خوبی انجام دادی اما از این به بعد ما یک حکومت اسلامی داریم یک قوانینی داریم دیگر از این به بعد این کار انجام نشود، نه شما علی نه دیگران؛ تا اینجا این کار انجام شد نیت خوب بود، زمان خوب بود خیر بوده از این به بعد دیگر چیست؟ انجام نباید بشود، مرحوم جعفر مرتضی، علامه جعفر مرتضی در کتاب‌شان یک استدلال قشنگ اینچنینی می‌آورند می‌گویند من علامه جعفر مرتضی در یک منطقه بزرگ شدم که همه طرفدار قمه زنی بودند به اعتقاد ما قمه زنی خیلی خوب بوده شاید کرامات هم دیده باشیم از این قضیه چون آن زمانی که ما بودیم آن وضعیتی که ما بودیم، حالا اهل بیت هم تفضلاتی به ما کردند، چون ما این را نه با قصد بدی انجام می‌دادیم نه تأثیر بدی داشته نه اثرات منفی بدی داشته اما از این به بعد ما یک ولی فقیهی داریم آمده و یک سری دستوراتی داده و لذا باید از این چه کار کنیم؟ تبعیت بکنیم، اینکه آقا الآن بد شده خب بابا پیغمبر به حضرت علی فرمودند که این کارت خوب بود از این به بعد بخاطر مصالح دیگر این کار را انجام ندهید، ای بابا حضرت علی کار بدی انجام داده؟ نه، نه می‌خواهیم کسانی که قبلاً این کار را انجام داده‌اند متهم بکنیم و نه بگوییم بد بودید و نه بگوییم شما به سید الشهداء دشمن بودید، نه این کسانی که الآن می‌گویند انجام ندهید را ما بگوییم بد هستند، هر دو طرفش را چرا باهم جمع نکنیم. این یک قضیه

نکته دوم در مورد « **بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا** » که پرسیدند، در ادامه همان حضرت فرمودن که :

« **حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمَصَابِ وَ غُصَّةِ الْاِكْتِيَابِ** »

آنقدر گریه می‌کنم تا بمیرم

خب ما می‌دانیم امام زمان(عج) وقتی ظهور بکنند انتقام خواهند گرفت، آن موقع تازه زمان شادی می‌شود « **أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمَصَابِ** » نیست، پس این چیست؟ این در واقع بیان آن شدت مصیبتی است که الآن دارند.

مجری:

و شاید به این معنی که تا زمانی که من زندگی می‌کنم خواهم گریست

استاد ابوالقاسمی:

و لذا امیرالمؤمنین چه فرمودند؟

« نفسی علی زفراتها محبوسهٌ یا لیتها خرجت مع الزّفراتِ »

خب علی جان شما که می‌گویید « یا لیتها خرجت مع الزّفراتِ » نمی‌توانی از خدا بخواهی که همین الآن بمیری؟ چرا می‌تواند، اما این یک سری، حضرت علی ادیب است با زبان ادبی دارد صحبت می‌کند، این برای فهماندن نهایت غصه‌ای هست که در وجودش دارد امام زمان (عج) ادیب هستند، برای بیان آن حقیقت این را می‌گویند البته اینکه صبح و شب گریه می‌کنم که دیگر این مسلمات است و کسانی که نقل می‌کنند خدمت حضرت مشرف شدند، این را نقل کردند، اصل گریه صبح و شب حضرت برای سید الشهداء یک امر مسلم است؛ لذا خیلی از بزرگانی که اهل معرفت بودند می‌گفتند ما برای اینکه شبیه حضرت بشویم سعی می‌کردیم روزی دو بار زیارت عاشورا بخوانیم اگرچه شاید حالا گریه هم نمی‌کنیم اما دو بار می‌خواندند، نه فقط به یک بار اکتفا نمی‌کردند. خب این راجع به سؤال دیگرشان.

در مورد حق الناس سؤالی کردند، آنچه در روایات آمده بله این است که خدای متعال ممکن است از حق الله بگذرد اما ، ممکن است نه اینکه هر جایی می‌گذرد خدا، اما حق الناس را آنطرف مقابل باید راضی بشود، و رضایت خدا بسیار ساده‌تر از چیست؟ رضایت شاکی دنوی است، خدا ارحم الراحمین است اما شاکی دنوی ارحم الراحمین نیست.

راجع به مسئله شیعه اینگلیسی، ما باید دقت بکنیم بعضی وقت‌ها این اتهام زنی‌ها و این صحبت‌هایی که انجام می‌شود ناشی از یک سری تبعاتی است یک سری کارهایی که انجام شده نه کسی را متهم الآن می‌کنیم و نه

تطبيق می‌دهیم به کسی اما دقت بکنیم گاهی اوقات یک کسی از یکطرف می‌گوید آقا چرا اینطور می‌کنید، بعد می‌گوید آقا طرف مقابل شما هم این کار را کردید، یک سری برچسب‌هایی یک گروهی بر روی یک کسی گذاشته‌اند درست یا غلط خب آنطرف مقابلش هم می‌آید برچسب‌هایی می‌گذارد روی اینها؛ ما باید دقت بکنیم به صورت کلی اجمالاً یک مسیر تشیع مشخص است، مراجع آن محور اصلی تشیع هستند باید مرجعیت حفظ بشود، دوم مرجعیت باید حفظ بشود، الآن من ابوالقاسمی بیایم بگویم آقا من هم مرجع هستم، مرجع سازی هم ما داریم باید مراقب باشیم دچار مرجع سازی نشویم، سوم مراجع تقلید معصوم نیستند ولی برای ما اطاعت آنها و حفظ احترام‌شان واجب است. چهارم با اینکه معصوم نیستند اما در آن زمینه‌ای که کار کردند خیلی بهتر از ما کار کردند و با خیلی از جوانب بیشتر دارند می‌بینند، اگر من احساس کردم در جایی اشتباه کردم حداقلش ولو، وقتی می‌گویید اگر، « امر اخیک علی احسنه » برادر مؤمنان را حمل بر احسن کن یک در هزار، برای مرجع باید یک در میلیون بشود این قضیه، اگر من احساس کردم جایی اشتباه کردم یک در میان چیست؟ اگر یک در میلیون هم راه حل داشت ما باید حمل بر آن درستش بکنیم. این راجع به آن سؤالاتی که آن دوست عزیزمان پرسیدند.

مجری:

ممنون و سپاس گذار هستم از شما

استاد ابوالقاسمی:

بله برگردیم به بحث مان عرض کردیم گروهی بودند از کسانی که پیغمبر (ص) را درک کردند بعضی‌هایشان نامه برای سید الشهداء نوشتند ولی چه شده؟ آمدند اینطرف و طرفدار لشکر یزید و به دشمنی با سید الشهداء پرداختند.

عبد الرحمن ابی سمره، عبد الرحمن ابی سمره جعفری در الإزتیاب او را آورده بعنوان کسانی که جزو صحابه بوده و در در الکامل فی التاریخ اسم چند نفر را می‌آورد می‌گوید:

« و جعل عمرو بن سعد علی ربّ اهل المدینه، عبدالله بن زهیر ازدی»

عمر بن سعد گفت بر آن یک چهارمی که اهل مدینه هستند عبدالله بن زهیر فرمانده باشد، بر آن یک چهارمی که اهل ربیعیه و کنده هستند قیس بن اشعث بن قیس حاکم باشد، بر آن یک چهارمی که از مزحج و اسد هستند عبد الرحمن بن ابی سمره فرمانده باشد.

یعنی فرمانده یک چهارمن لشکر

« و عنان بن تمیم و همدان، حربن یزید بن ریاحی ، فشهد هؤلاء کلهم مقتل الحسین»

همه اینها در کشتن سید الشهداء دخالت کردند

« إلا الحر بن یزید فإنه عدل إلى الحسین »

جز حر بن یزید ریاحی، یک چهارم لشکر دستش بود رها کرد، آمد سمت سیدالشهداء؛ خب اگر آن فرمانده دوم رها می‌کرد، سوم رها می‌کرد، این صحابه اگر رها می‌کردند سیدالشهداء شهید می‌شد؟ یعنی واقعاً ما بعضی وقت‌ها وقتی به تاریخ مراجعه می‌کنیم من فیلم مختار را که می‌گذارند گاهی اوقات آن قسمت آخرش که می‌شود نگاه نمی‌کنم، می‌بینم بخاطر یک سری اشتباهات جزئی یک تعدادی افراد یک سری کارهایی انجام داده‌اند یک مجموعه‌ای عظیم بر باد رفته، این همه زحمات؛ خب الآن اینها صحابه پیامبر بودند، چهار نفر، پنج نفر، خب اگر اینها بر می‌گشتند چه می‌شد؟

مجری:

و گناه اینها چقدر سنگین‌تر است

استاد ابوالقاسمی:

بله؛ عزرة بن قيس، صحابی به حساب می‌آید؛

الإصابة جلد 5، صفحه 125،

این هم نامه نوشت برای سید الشهداء، و جالب اینجا است همین شخص آمده به زهیر، می‌گوید زهیر چرا رفتی آنطرف؟ بابا عزرة تو که خودت نامه نوشتی به سید الشهداء؛ من عبارتت را بیاورم که دوستان ببینند. در انصاب الأشراف نقل می‌کند، می‌گوید بعد از اینکه صحبت‌هایی شد

« فأتاهم العباس في نحو من عشرين فارساً »

عباس قمر بنی هاشم آمدند پیش آنطرف مقابل، پیش عمر بن سعد

« فيهم زهير بن القين وحبيب بن مظهر فسألوها عن امرهم »

چرا آمدید در جنگ ما

« قالوا جاء أمر الأمير أن نعرض عليكم النزول على حكمه أونناجزكم »

یا باید حرف امیر را قبول بکنید یا با شما به جنگ بپردازیم

اینها ایستادند قمر بنی هاشم به تنهایی برگشت به سمت سیدالشهداء که خبر را برساند از سید الشهداء جواب بگیرد؛ در این هنگامی که قمر بنی هاشم دارد می‌رود و بر می‌گردد حبیب بن مظاهر گفت

« و الله لبئس القوم عند الله قتلوا ذرية نبيه و عترته »

بدترین قوم کسانی هستند که ذریه پیامبر و عترت او و عباد اهل مصر را می‌کشند

حبیب معروف بود به عابد شهر خودش

« فقال له عزرة بن القيس »

همین آدم، گفت:

« انک لتزگی نفسک »

تو داری خودت را به اصطلاح با تقوا نشان می‌دهی، تو اینقدر هم خوب نبودی، حالا خوب بودی ولی نه اینقدر

بعد عزرة رو کرد به زهیر بن قین، زهیر بن قین تا یک هفته قبلش آنطرف بوده الآن شانه به شانه حبیب بن مظاهر این حسن عاقبت است، این حسن عاقبت است

« کنت عندنا عثمانياً ، فما بالک؟ »

تو هم که مثل ما بودی، تو هم که عثمانی بودی

تو که ضد علی بن ابی طالب بودی تو چرا رفتی آنجا، زهیر به او گفت که

« و الله ما کتبت إلى الحسين »

من مثل تو نبودم نامه به سیدالشهداء بنویسم

« و لا أرسلت إليه رسولا »

فرستاده نفرستادم

« و لكن الطريق جمعنی و إياه »

راه مرا با او جمع کرد او را دیدم

« فلما رأیته ذكرت به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) »

او را دیدم یاد رسول الله افتادم

دیده بود پیامبر را دیگر

« و عرفت ما تقدم عليه (يا ما تقدم عليه) من غدرکم و نکثکم إلى الدینا»

و فهمیدم به من گفت دارد می‌آید به سمت شما پیمان شکن‌ها، به سمت شما دنیا طلب‌ها

« فرأيت أن انصره »

تصمیم گرفتم یاری حسین بکنم

« و أن اکون فی حزبه»

بروم در حزب سیدالشهداء

از حزب عثمانی که شما هستید بیایم بیرون بروم در حزب سید الشهداء، چرا؟

« حفظا لما ضیعت من حقّ الله و حقّ رسول الله (ص)»

خواستم آن چیزی که مشا تزیع کردید که حق پیغمبر (ص) هست من آن را حفظ بکنم

خب الآن هم نگاه کنید، الآن هم همان وضعیت هست دیگر، یک عده دارند می‌آیند می‌گویند حق پیغمبر، نبود که ما با اهل بیتش دشمنی بکنیم، ما برای اهل بیتش عزاداری می‌کنیم، یک عده می‌گویند نه ما یزید را همین الآن می‌گوییم رضی الله عنه، یزید را همین الآن می‌گوییم بهشتی است، یزید را همین الآن می‌گوییم شخص پاکی بوده، یک چیزی هم عرض بکنم، اسم نمی‌برم به کسی برنخورد ولی واقعاً بعضی وقت‌ها جگر انسان کباب می‌شود بعضی‌ها اسم شیعه روی خودشان می‌گذارند.

یک شخصی بود مقاله نوشته صفحات سفید در پرونده سیاه یزید، گفت بدی‌های یزید را همه می‌گویند بگذار من خوبی‌های یزید را بگویم، آدم چه بگوید دیگر تو اسمت شیعه است نان هیئت را چند سال خوردی نان و نمک خوردی اینجا پای روضه نشستی، بعد جالب اینجا است امشب داشتم کلیپ‌های وهابی‌ها را نگاه می‌کردم واقعاً بعضی وهابی‌ها فهم و شعور شان از این بهتر است گفته بود یزید هر کار خوبی هم بکند چون سیدالشهداء را کشته اصلاً آن حبط می‌شود اصلاً نگاه به آن نمی‌شود، اصلاً به آن نگاه نمی‌شود آخر بابا تو که اسمت شیعه بود، دیگر ما باید خودمان برای خود من هم بی تفاوت، خود من هم اسم من شیعه است دیگر چه کار کنیم حالا دیگر.

مجری:

آقا فرصتی نداریم.

استاد ابوالقاسمی:

چقدر وقت داریم؟

مجری:

دو دقیقه

استاد ابوالقاسمی:

دو دقیقه؟ به نظرم زود دارند تمام می‌کنند ولی من یک چیزی را عرض بکنم چون امشب آخر وقت هم هست یکی از این شبکه‌های وهابی یک مجری دارد آقای عقیل هاشمی، اتاق فرمان تصویر را لطف بکنند، یکی در اینستاگرام برایش پیغام فرستاده اگر جرأت دارید رسماً از آقای شریفی، ابوالقاسمی در برنامه تان دعوت به مناظره کنید، بعد گفته شریفی فرار کرده خب مشخص است آقای شریفی که مناظره‌اش پخش شد همه دیدند چه کار

کرد با همین آقای عقیل هاشمی، اما ابوالقاسمی که اسمش را بردید ده بار دعوت شده است، حالا من ندیده‌ام جایی دعوت کرده باشد رسمی ایشان ما را، اما گفته است که فقط با مفتی عربستان مناظره می‌کند جالب اینجا است که مفتی اعظم فارسی بلد نیست این جوجه حاج آقا هم عربی بلد نیست.

خب حالا من چند نکته عرض بکنم، متشکر از اتاق فرمان، اینکه من عربی بلد نباشم که من با عرعور عربی مناظره کردم، با دمشقی عربی مناظره، کردم با فارس المصری عربی مناظره کردم، با فراج الصهبی عربی مناظره کردم.

مجری:

پس شما عرب‌تر از فارس هستید.

استاد ابوالقاسمی:

همه مناظراتم عربی هست، شبکه الولاية برنامه عربی داشتم، همه‌شان به حمد الله به لطف اهل بیت شکست خوردند، اینکه مفتی اعظم عربستان عرب باشد، کلیپ عربی صحبت کردنش مضحکه خاص و عام شده با اینکه مفتی اعظم عربستان است؛ اما یک نکته‌ای را گفته ابوالقاسمی ادعایش در حد آنجا هست، خب من با عرعور مناظره کردم، و عرعور هم فرار کرد دیگر همه دیدند مناظره‌اش هم الآن در اینترنت هست، خب بعد از عرعور چه کسی برای شما باقی مانده است که ما با او مناظره کنیم، کسی باقی مانده جز مفتی اعظم، حالا عربستان یا جای دیگر با او مناظره بکنم؟ آن وقت توقع دارند من بیایم با این مجری که آقای علی شریفی زد و ترکاندش و منفجرش کرد مناظره کنم خب اینکه اصلاً شایسته نیست. بله من گفتم حداقل مدیر شبکه‌شان آقای خدمتی بیاید که ادعا دارند و مدرک می‌گویند دارند و با او مناظره بکنیم حداقل یک زره این جایگاه حفظ بشود، عرب هم کسی را داشته باشید من مشکلی ندارم با او مناظره می‌کنم، والله من عربی بلد هستم اگر می‌خواهید عربی هم حاضریم با علمایتان نه این بچه‌ها را بفرستید مناظره کنیم. پس این بهانه‌ها را نیاورید شما می‌دانید نمی‌توانید با ما مناظره بکنید، این هم که بنده الآن دارم مناظره می‌کنم عرض می‌کنم از خدا حسن عاقبت باید بخواهیم،

ان شاء الله که خدا دست همه ما را بگیرد، تمام این عزاداری‌ها تمام این بحث‌هایی که داریم ان شاء الله مورد رضای اهل بیت باشد و ان شاء الله با این عزاداری‌هایمان با این برنامه‌هایمان با این کارهایمان حداقل مرهمی برای آن ضخم‌هایی که دیگران بر قلب‌های اهل بیت گذاشته‌اند باشیم.

مجری:

آقا اجازه می‌دهید در پایان برنامه من چند بیت برای حر بن یزید ریاحی بخوانم؟

استاد ابوالقاسمی:

بفرمایید استفاده می‌کنیم.

مجری:

حسن ختامی باشد با اینکه امشب دست‌های خودمان را که غرق گناه هست و غرق احتیاج است و غرق این است که از خدا بخواهیم که عاقبت ما را هم به حق مظلومیت حضرت حر ختم به خیر بکند.

جدا می‌کردی از لشکر مسیر جادی خود را

بروی اشک می‌انداختی سجاده خود را

به استقبال تو با روی باز آمد امام اما

چه مشکل گفته بودی حرف‌های ساده خود را

چه کردی با دل فرزند پیغمبر

چه کردی با دل فرزند پیغمبر

که می‌خواهد چنین در بر بگیرد، پیکر آزاده خود را

زجا برخیز و سیری کن در آفاق و بین با او

شکوه پیکر در خاک و خون افتاده خود را

جناب استاد ابوالقاسمی اجازه می‌فرمایید که خدا حافظی کنیم از محضر بینندگان محترم استفاده کردیم از محضرتان، خدا ان شاء الله به حق اخلاصی که بچه‌هایی که این شبکه را می‌چرخانند دارند کمک‌مان بکند در مسیر عاقبت بخیری قدم برداریم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

«اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم»